



۲۰۲۰/۰۸/۱۲



اختر محمد یوسفی

رد نظریات غیر قانونی دوکتور محمد عثمان تره کی در مورد "جرگه مشورتی"

« به کسی که خداوند اداره می سپارد، به او هم چنان عقل هم می دهد - یک شوخی است، که در زمان ما کسی جدی نمی خواهد ادعا کند. » (ویلیم - هیگل)

متأسف هستیم که یک داکتر حقوق پر شر و شور افغان بحد از محور تأمین عدالت و اجرای قانون در مورد مجرمین مکرر و جرایم مشهود طالبان چنان نزول کرده است که با لحن بدور از فرهنگ مروج نویسندگی بلندپروانانه موضعگیری دفاعی حقوقی و خاصاً حق العبد را مطابق قانون جزا افغانستان عمل ماجراجوی و مالیخولیایی می داند.

ماهیت جنگ افغانستان و وسایل دست دشمنان میهن مانند پاکستان و ایران که طالب، داعش و لشکر فاطمیون را در اختیار دارند کاملاً روشن است، لازم نیست که من تعریف و ماهیت جنگ بیگانه در افغانستان را به جناب دوکتور محمد عثمان تره کی داکتر حقوق افغان بازگو کنم. لازم میدانم که به دوکتور محمد عثمان تره کی موضوعات ذیل را خاطر نشان سازم.

آقای داکتر تره کی!

" نه کنجکاو، نه بیهودگی، نه غور به سوومندی، نه مکلفیت با وجدانی، بلکه یک تشنگی ثابت و بد فرجامی اند، که هیچ مقایسه را نمی پذیرد، ما را به حقیقت سوق می دهد. " (هیگل)

هر انسان عاقل و با شرف در افغانستان و جهان که حداقل سواد و درک سیاسی داشته باشد این تیتر جعلی را بخوبی میدانند که زندانی شدن جنایتکاران طالب و رهایی زندانیان جنایتکاران طالب بر اثر تقاضا مردم افغانستان نبوده و رهایی زندانیان از طرف افغانها مظلوم و بی دفاع افغانستان تصمیم گرفته نشده است.

کمی به گذشته طالبان و زندانیان آن نظر به اندازید. بعد از حمله القاعده بر آسمان خراشهای شهر نیویارک در یازدهم ماه سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی، امریکا و متحدین ناتو تصمیم گرفتند تا حکومت وحشت طالبان را سقوط دادند. با سقوط حکومت طالبان جامعه جهانی در افغانستان مجدداً حکومت جنایتکاران "جهادی" و بغاوتگران شمال را توسط کنفرانس بن المان تعویض نمودند که تاکنون همان حکومت ادامه دارد. قوای نظامی امریکا و ناتو در جریان عملیات نظامی خویش تعداد از قوماندان طالبان که در آینده مؤثر باشد غرض تجدید تربیت در زندان جزیره گوانتانامو کیوبا و زندان میدان هوایی بگرام افغانستان محافظت میکردند. مگر متحدین اوباش عملیات نظامی امریکا و ناتو اتحاد شمال (ملیته گلمجمان رشید دوستم و جمعیت اسلامی برهالالدین ربانی) در جریان عملیات خزان سال ۲۰۰۱ میلادی تمام اسیران جنگی طالبان را در قلعه جنگی، دشت لیلی ولایت بلخ در کانتینرها بقتل رساندند. بعد از چند سال هنگامیکه نظامیان امریکا و ناتو در افغانستان تصمیم تقلیل قوای نظامی خود را اتخاذ نمودند، محافظت زندان میدان هوایی بگرام خویش را بدوش "دولت" افغانستان واگذار نمودند در واقعیت امر افغانها محافظین زندان میدان بگرام بودند. چندین سال بعد امریکا دوباره تصمیم تقلیل بیشتر قوای خود را در افغانستان گرفتند، به مشوره و تقاضا پاکستان دفتر سیاسی را برای طالبان در شهر دوحه پایتخت قطر گشودند، تا امریکا با طالبان برای "صلح" از نزدیک مذاکره نمایند.

پاکستان همان طالبان زندانی تربیت یافته گوانتانامو و زندان کراچی را ملیس با کالای تترون سفید و لنگی های سپیشل ساخت کراچی پاکستان با امریکاییان در دوحه بدور میز مذاکره حاضر نمودند. مذاکرات دیپلماتهای امریکایی با طالبان قریب دو سال را دربر گرفت، شش ماه قبل امریکا تفاهمنامه "صلح" قطر را براساس مشوره های پاکستان در غیاب "دولت" افغانستان با طالبان امضا نمودند، رهایی (۵۰۰۰) پنج هزار تن زندانیان طالب هم یکی از موارد همان تفاهمنامه "صلح" امریکا با طالبان است.

امضای تفاهمنامه قطر در بین امریکا و طالبان است، ستراتیژی تأسیس مجدد امارت "اسلامی" طالبان و اهداف "جمهوریت" دولت چند دسته تنظیم های "جهادی" محور مشترک ندارد بلکه دارای اختلافات بنیادی است. بدون محور مشترک و تأمین عدالت اجتماعی هیچگاهی صلح واقعی در افغانستان ناممکن است. پاکستان در تداوم جنگ و ویرانی در افغانستان تنها نام طالب را به نام داعش تعویض میکنند، رها یافتن خطرناکترین زندانیان طالبان که روز مره بر صفوف داعش علاوه می شود، گروهی داعش می تواند در جنگ تباہ کن پاکستان علیه افغانستان اهداف ستراتیژیک پاکستان را بدست می آورد.

صلح افسانه نیست بلکه حقیقت تلخ است که با خوشبینی های بی اساس بدون در نظر داشت اختلافات بنیادی و تضادهای عمیق آشتی ناپذیر میان طالبان وسیله دست پاکستان و "دولت" چند دسته افغانستان با تدویر مذاکرات بین الافغانی بدست آمدن صلح ناممکن است.

شیوه های کاربرد ناقص و فضای خشم و خون موجود در بین طرفین افغان در مسیر تأمین "صلح" واقعی و پایدار مانند سراب دشت و تشنه گان است، تشنه گان برای یافتن آب دشتهای بیابان را بی نتیجه گز و پل می کند. طالبان وسیله است و گروهی مستقل سیاسی نیستند که بتوانند با "دولت" چند دسته افغانستان با موجودیت اختلافات بنیادی و تضاد های عمیق ایدیولوژیک در یک چارچوب منافع ملی افغانستان مسایل جنگ و صلح را حل و فصل کنند.

"لویه جرگه مشورتی" با وجود غیر قانونی بودن آن از کوچکترین آزادی اصول نظر خواهی برخوردار نبوده است.

اول: عبدالله عبدالله رئیس نام نهاد جرگه "صلح" فضای اختناق پولیسی جرگه را همانند لویه جرگه ماه می سال ۲۰۰۲ میلادی که اوباشان شورای نظار طرفداران اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را در تالار لویه جرگه تهدید میکردند، شدیدتر و بدتر ادامه داده است. "جرگه" متذکره در چارچوب پیروی از اصول جرگه ها آزادانه تدویر نه یافته است، شواهد مستند نشان میدهد که این "جرگه" یک نشست از قبل پلان شده دولتی بوده است.

دوم: روسای (۵۳) پنجاه و سه کمیسیون "جرگه مشورتی" قبلاً تعیین گردیده بودند و تمام آنها از وابستگان نظام فاسد تنظیم های "جهادی" و اقارب شان بودند. روش و طرز دید افراطیت "مذهبی" و تعصبات قومی آنها با طالبان هیچ تفاوت ندارند.

سوم: "جرگه مشورتی" اعتراضات مسالمت آمیز معترضین شرکت کننده "جرگه مشورتی" را با لت و کوب و دادن فحش به زنان خلاف ارزشهای فرهنگی ملی افغان که خصلت این اوباشان نظام فاسد است به پیش برده است.

چهارم: به اشتراک کنندگان "جرگه" (۳۵۰۰) سه هزار پنجمصد نفری حتی فهرست اسمای و انواع جرائم که این (۴۰۰) چهار صد تن خطرناکترین جنایتکاران و مجرمین طالب و شبکه حقانی را خلاف اصول تدویر جرگه چون قتل عام انفجار چهار راهی زنبق شهر کابل و غیره به اشتراک کنندگان "جرگه" داده نشده است.

پنجم: برای اشتراک کنندگان "جرگه مشورتی" فقط جمعی و کورکورانه گفته شده است که (۴۰۰) چهار صد تن فرشتگان طلبای کرام باید از زندان رها شوند، حتماً صلح به کشور برمیگردد، ورنه جنگ ادامه فرشتگان طلبای کرام تا نابودی افغانستان ادامه می یابد و بر علاوه کمک های امریکا هم مشروط بر رهایی (۴۰۰) چهار صد تن خطرناکترین زندانی مجرم حق العبدی است.

ششم: اشتراک کنندگان "جرگه مشورتی" بیخیز از ماهیت جرایم مجرمین حق العبدی که قاتلین بالفعل و مستند هزاران هموطن بیگناه افغان هستند نظر بی مسؤولیت تأییدی داده اند.

هفتم: اشرف غنی در صحبت روز اختتامیه جرگه فریاد میزد که بعد از "جرگه مشورتی" راه را برای امضای فرمان

رهایی (۴۰۰) زندانی طالبان جرایم حق العبدی دارند مهیا نموده اند، این بیان اشرف غنی کاملاً نادرست و غیر قانونی است. هیچ مرجع بجز حق العبد صلاحیت عفو مجرمین جرایم حق العبدی را ندارند.



مطالب بیشتر از این نویسنده، لطفاً اینجا کلیک کنید!

